

گزارشی از وضعیت سیاسی، سازمانی و امنیتی مهاجران فلسطینی در اردوگاه‌های لبنان*

نظر به وضعیت سیاسی مردم فلسطین و این که متعاقب تجاوز اسرائیل به این کشور، عملاً سرزمین مادری خود را از دست داده و در نتیجه مجبور به مهاجرت به کشورهای همجوار شده‌اند، اردوگاه‌های فلسطینیان صرفاً از آن حیث که محل اسکان ایشان می‌باشد دارای اهمیت نیست. بلکه افزون بر آن، این اردوگاه‌ها به کانون‌های مبارزه‌ای تبدیل شده‌اند که حجم قابل توجهی از فعالیت‌های سیاسی- نظامی از آنجا هدایت می‌شوند. بنابراین تحلیل وضعیت این اردوگاه‌ها از ابعاد نظامی، امنیتی و سیاسی بسیار اهمیت دارد. در این گزارش، جابر سلیمان به مدد پیشینه تخصصی خود در لبنان و مشاهداتی که از اردوگاه‌های مختلف فلسطینیان به ویژه اردوگاه عین الحلوه در لبنان داشته به تحلیل وضعیت فعلی این اردوگاه‌ها در پرتو تحولات و تغییراتی که در

تبدیل گاز به مایع (GTL) تبدیل شده و یا با توسعه نیروگاه‌های برق از آن به عنوان سوخت در نیروگاهها استفاده شده و انرژی الکتریکی نیروگاهها صادر گردد. در این دوشکل گاز طبیعی از ارزش افزوده بالاتری می‌تواند برخوردار گردد.

با گسترش امکان استفاده از گاز طبیعی فرصتی با ارزش در اختیار کشورهای دارنده ذخایر گازی در آینده قرار خواهد گرفت، باید دید که آنها چگونه از این فرصت استفاده می‌کنند و شرایط را برای این کار آماده خواهند کرد.

گزارش از: فرهاد محمدی
پژوهشگر بازرگانی بین الملل و اقتصاد انرژی

یادداشت:

1. Ligulid, Natunral Gaz

* Jaber Suleiman, "The Current Political, Organizational, and Security Situation in the Palestinian Refugee Campus of Lebanon," *Journal of Palestine Studies*, xxix, No. 1 (Autumn 1999), pp. 66-80.

روابط بازیگران مختلف سیاسی رخ داده، می پردازد.

وضعیت و میزان فعالیت سیاسی-نظامی مهاجران فلسطینی، نقش به سزایی دارد.

الف- کلیات

ب- بستر تاریخی

ملاحظات سیاسی، سازمانی و امنیتی مهاجران فلسطینی در لبنان به شکل امروزی اش، متأثر از تحولات عمده ای همچون تصمیم «جبهه آزادی بخش فلسطین» (PLO) برای خروج از بیروت در سال ۱۹۸۲، پیشرفت مذاکرات صلح و عقد قراردادها و موافقت نامه های مادرید و اسلو و بالاخره تغییر نگرش جهان عرب به مقوله اسرائیل، است. با این حال باید پذیرفت که تمام اردوگاه های موجود در لبنان در وضعیت یکسانی قرار ندارند و فضای حاکم بر هر یک متفاوت از دیگر اردوگاه ها است. علی رغم این تفاوت ها، وقایعی از قبیل امضای قرارداد طائف (اکتبر ۱۹۸۹) که به جنگهای داخلی در لبنان پایان بخشید، به دلیل بسط سلطه دولت در قلمرو ارضی کشور، بر نحوه فعالیت کلیه اردوگاه ها تاثیر یکسانی گذاشته که غیرقابل انکار است. در مجموع امروزه ما شاهد شکل گیری مثلثی مرکب از فلسطین، لبنان و سوریه هستیم که نوع رابطه این سه با یکدیگر، در تعیین

جهت درک واقعیت فوق، کافی است مروری بر روند فعالیت های سازمانی و سیاسی مهاجران فلسطینی از ابتدای تاسیس دولت اشغالگر اسرائیل تا به امروز داشته باشیم:

۱- از ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۰

با مراجعه به آمار و ارقام موجود، معلوم می گردد که اکثر پناهندگان فلسطینی در لبنان دارای پیشینه سیاسی مشخصی می باشند و از این حیث اکثر آکارنامه های درخشانی دارند. مطابق این آمارها هم اکنون حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر در لبنان حضور دارند که تقریباً نیمی از آنها در دوازده اردوگاه مرزی و مابقی در شهرها و یاروستاهای لبنان به سر می برند. فاصله زمانی بالا را می توان از منظر تحلیل نوع رابطه دولت لبنان با مهاجران فلسطینی ساکن در این اردوگاه ها، به پنج دوره جزئی تر تقسیم نمود:

۱-۱- دوره سازگاری و امیدواری

(Adaptation and Hope). ایسسن دوره از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۸ را شامل می شود که

مقارن است با ورود اولیه مهاجران فلسطینی به لبنان و استقبال دولت و ملت این کشور از ایشان. در این دوره شاهد فعالیت نسبتاً آزاد فلسطینیان می‌باشیم که متأثر از احساس همدردی مردم و دولت لبنان نسبت به مردم ستم دیده فلسطین است.

۲-۱- بروز اولین گسسته‌ها و آغاز فعالیت‌های مخفی (First Crackdown and Covert Activity) در فاصله زمانی ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۹ حوادثی در لبنان رخ می‌دهد که در نتیجه آن نوع رابطه دولت لبنان با مهاجران فلسطینی دستخوش تغییر می‌گردد. شورش ناسیونالیست‌های عرب برضد رئیس جمهور شمعون و روی کار آمدن ژنرال فؤاد شهاب، مهم‌ترین حادثه این دوره به شمار می‌آید. در نتیجه روی گردانی دولت از فلسطینیان مهاجر است که ایشان اقدام به تاسیس گروه‌های چریکی مخفی و اجرای عملیات برضد اسراییل می‌نمایند. بدیهی است که عملیات فوق، حملاتی از سوی اسراییل به لبنان را در پی داشت که این دولت را وامی‌داشت تا در نوع فعالیت اردوگاه‌ها دخالت نماید. امضای قرارداد قاهره به تاریخ سوم نوامبر ۱۹۶۹ بین سازمان آزادی بخش

فلسطین و دولت لبنان، که در آن «ساف» از انجام هرگونه فعالیت چریکی علیه اسراییل از درون مرزهای لبنان منع شده بود، نتیجه بارز این دوره می‌باشد.

۳-۱- فعالیت‌های آشکار و تاسیس سازمان‌های تازه (Overt Activity and Institution Building) دوره که از ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۲ به طول انجامید، متعاقب تقویت نیروهای فلسطینی در لبنان و به ویژه شروع جنگ‌های داخلی در این کشور، آغاز می‌گردد. تضعیف دولت مرکزی، فرصت مناسب را برای فلسطینیان مهاجر فراهم آورد تا سازمان‌های چریکی خود را تاسیس و آشکارا به فعالیت پردازند. شدت این فعالیت‌ها تا آنجاست که بعضی از تحلیل‌گران در مقام توصیف این دوره اظهار داشته‌اند که: لبنان در این مرحله شاهد ظهور پدیده «دولت در دولت» می‌باشد، که حکایت از قدرت یافتن فلسطینی‌ها و عملکرد آنها در قالبی شبیه یک دولت مستقل در درون لبنان دارد.

۴-۱- دوره اختلافات درونی (Discord and Internecine Conflict). فاصله زمانی ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ را باید دوره اختلافات درونی در میان فلسطینی‌ها و رهبران‌شان ارزیابی کرد. اگرچه ساف

بسیاری از نیروهای خود را از لبنان بیرون برد و به کار بسیاری از سازمانهای وابسته در این کشور پایان داد، ولیکن مشاهده می شود برخی از گروهها و دستجات همچنان در شمال و دره بقا باقی مانده و بر ادامه فعالیت مصر هستند. اختلاف بین یاسر عرفات با رهبران الفتح و یا گروههای مبارز دیگر، شاخص اصلی این دوره می باشد.

۱-۵- جنگ اردوگاه ها (War of The Campus) ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ را باید سالهای بحرانی حضور فلسطینی های مهاجر در لبنان ارزیابی کرد. شکست نیروهای طرفدار عرفات در تریپولی، فرصت آن را به نیروهای نظامی امل در لبنان داد تا برضد اردوگاه های فلسطینی در بیروت وارد عمل شوند. انجام عملیات تلافی جویانه از سوی مقابل، عملاً نوعی درگیری را در بین اردوگاه ها به وجود آورد که در نهایت به سیطره هریک از گروهها بر اردوگاهی منجر شد. از این زمان است که اردوگاه ها به صورت کانون مبارزاتی گروهی خاص درآمده و اتحاد اولیه دیگر مشاهده نمی شود.

۲- کنفرانس صلح مادرید که گروه های عمده درگیر در نزاع اعراب و اسرائیل را در اکتبر ۱۹۹۱ به هم نزدیک ساخت.

۳- قرارداد اسلو بین اسرائیل و ساف در سپتامبر ۱۹۹۳

۴- نشست (اجلاس) غزه در دسامبر ۱۹۹۸

۵- تلاشهای مخالف با جریان صلح که به ویژه در دمشق سازماندهی می شدند.

پس از یک دوره از خصومت و نزاع، در نهایت ملاقاتی رسمی بین وزیر خارجه لبنان و رئیس دفتر سیاسی سازمان آزادی بخش فلسطین در قاهره در نیمه ماه می ۱۹۹۱، برگزار شد که از منظر تحلیل حاضر بسیار مهم می نماید.

اجلاس قاهره و نشست های بعدی آن تاثیر زیادی در کاهش تنش ها بین طرفین داشت که در مجموع در استمرار حیات سیاسی

۲- از ۱۹۹۰ تا به امروز در دهه نود، لبنان شاهد پنج تحول

۱- جنگ اردوگاه ها

۲- از ۱۹۹۰ تا به امروز

۳- قرارداد اسلو بین اسرائیل و ساف

۴- نشست (اجلاس) غزه در دسامبر ۱۹۹۸

۵- تلاشهای مخالف با جریان صلح که به ویژه در دمشق سازماندهی می شدند.

اردوگاه‌ها موثر بوده است. توافق بر سر حضور نیروهای مبارز فلسطینی در لبنان، تامین و تضمین امنیت اردوگاه‌های فلسطینی و تاکید بر حقوق مدنی و سیاسی مهاجران فلسطینی از جمله دست‌آوردهای عمده این اجلاس‌ها برای طرف فلسطینی می‌باشد. البته متقابلاً ساف متعهد به کاهش حجم سلاح‌های سنگین و نیمه سنگین و تعداد افراد مبارزش می‌شود که از جمله خواسته‌های اولیه دولت لبنان به شمار می‌رفت.

البته جریان امور پس از اجرای این مواد دستخوش تحول شد و دولت لبنان پس از تحکیم سلطه خود بر قلمرو ارضی اش - به ویژه جنوب لبنان - با تعویض اعضای اصلی حاضر در مذاکرات، در تحقق خواسته‌های مذکور در ذیل عنوان «حقوق مدنی و اجتماعی مردم فلسطین» مشکلاتی را پدید آورد. کنفرانس مادرید به منظور رفع این مشکلات و بهبود شرایط برپا گردید که تا حدودی هم موفق بود. در همین ارتباط توجه به تاثیرات ناشی از انعقاد قرارداد اسلو نیز قابل توجه می‌نماید. قرارداد اسلو و اجلاس‌های غزه هر دو ریشه در گرایش‌های تازه‌ای دارند که در سطح

سازمانی در درون اردوگاه فلسطینی به وجود آمده بودند. موافقان و مخالفان سیاستهای تازه ساف در گذر این تحولات به دنبال دست‌یابی به نوعی همگرایی بوده‌اند که البته در نهایت هم حاصل نیامده است.

ج- مطالعه موردی: اردوگاه عین الحلوه

اگرچه بررسی وضعیت سیاسی، امنیتی و سازمانی مهاجرین فلسطینی در لبنان محتاج تامل جامع در خصوص کلیه اردوگاه‌ها می‌باشد، ولیکن در گزارش حاضر اردوگاه عین الحلوه که از وجوه متعددی شاخص است، مورد توجه ما می‌باشد. تعداد زیاد مهاجرین ساکن در این اردوگاه، سرآمدی و شهرت آن در زمینه انجام فعالیت‌های سیاسی سازمان داده شده، و بالاخره مرکزیت آن، گزینش حاضر را توجیه می‌کند. این که از عین الحلوه به عنوان «سرزمینی در لبنان که تحت حکومت قانون رسمی نیست» یاد می‌شود، دلالت بر جایگاه ویژه این اردوگاه دارد که آن را مستحق بررسی مستقل می‌نماید. ضمناً تاکید بیش از حد مطبوعات لبنانی بر این اردوگاه و لقب دادن آن به «سرزمین امن» (Land of Security) فلسطینی‌ها، حکایت از

آن دارد که «عین الحلوه» یک اردوگاه ساده همچون سایر اردوگاه‌ها نیست. کلیات فوق‌الذکر «عین الحلوه» را به عنوان یک «الگوی جامع» از فعالیت سیاسی مهاجران فلسطینی در لبنان، به ما می‌شناساند.

- ائتلاف ملی فلسطین (Palestinian National Alliance) که باید آن را مهم‌ترین سازمان متشکل از گروه‌های مخالف قلمداد کرد که در این اردوگاه مشغول به فعالیت می‌باشد.

- اتحادیه گروه‌های صنفی

(Trade Union Groups)

- کمیته‌های روستایی

(Villages Committees)

- کمیته‌های عام (مردمی)

(Popular Committees)

در کنار سازمانها و گروه‌های فوق می‌توان به انواع ائتلاف‌های دیگری که در بین نیروهای موثر به وجود آمده نیز اشاره داشت که در مجموع عین الحلوه را به عنوان مجموعه گروه‌های فلسطینی موجود به خواننده می‌شناساند و حکایت از نشاط فعالیت‌های سازمانی و گروهی در سال‌های اخیر دارد.

در مجموع عین الحلوه طیف‌های متنوعی از فلسطینی‌ها را اعم از طرفداران عرفات (که اکثریت را دارند)، مخالفین، اسلام‌گرایان و مهاجران عادی، در خود جای داده است. از منظر بحث حاضر مهم‌ترین گروه‌های سازماندهی شده در اردوگاه عبارتند از:

- ائتلاف فتح و هواداران آنها به ویژه از

ساف به رهبری «سلطان ابوالعینین» که یک تشکل سیاسی تمام عیار ارزیابی می‌شود.

- نیروهای اسلام‌گرا

(The Islamic Forces) که اگر چه یک بلوک

سیاسی مشخص را شکل نمی‌دهند و لیکن

پس از بروز تحولاتی در ساف و قدرت یافتن

جناح سکولار، نسبت به سازماندهی و حضور

سیاسی فعال از خود اقبال نشان داده‌اند.

گروه انصار، الجماعة الاسلامیه، حماس و

د- وضعیت سایر اردوگاهها

اگرچه اردوگاه‌های دیگر در لبنان دارای تمام گرایش‌های فوق نمی‌باشند، ولیکن از آن حیث که هریک در زیر سلطه یک یا دو گروه مشخص هستند، جالب توجه می‌نمایند. متعاقب روی کار آمدن باراک و تحولات حاصله هم در سیاست اسرائیل و هم طرف فلسطینی، ما شاهد شکل‌گیری سه سیاست مشخص در سطح اردوگاه‌های فلسطینی در لبنان می‌باشیم:

۱- اردوگاه‌های خواهان مذاکره و همسویی با دولت لبنان. نتیجه این روند پذیرش رسمی حقوق فلسطینیان در قبال سلطه بیشتر دولت بر امور اردوگاه و به اصطلاح انتظام بخشی آنها می‌باشد. مذاکرات اسد عبدالرحمان با دولت خودگردان فلسطینی بیشتر در همین راستا معنا می‌شود.

۲- گروه‌هایی که خواهان تقویت بیش از حد اردوگاه‌ها در سطح داخلی می‌باشند و این که اردوگاه‌ها بتوانند در درون لبنان بدون اهتمام به عملیات نظامی - جایگاه و موقعیت بهتری بیابند.

۳- گروه‌های خواهان ایجاد ائتلاف‌های

تازه در چارچوب و یا حتی فراتر از سازمان آزادی‌بخش فلسطین برای اقدام به مبارزه و سازماندهی تازه در مقابله با فزون‌طلبی‌های اسرائیل.

در مجموع، مشاهدات مربوط به وضعیت سیاسی، امنیتی و سازمانی مهاجران فلسطینی در لبنان حکایت از آن دارد که مهاجران فلسطینی در سالهای اخیر به فعالیت‌های سازمانی اقبال بیش از حدی یافته‌اند و از حیث نوع گرایش نیز می‌توان طیف متنوعی از آراء و دیدگاه‌ها را سراغ گرفت که هر کدام، یک یا چند گروه و یا سازمان سیاسی را تحت سلطه خود دارند.

گزارشگر: جابر سلیمان*
ترجمه و تلخیص: اصغر افتخاری

* جابر سلیمان محقق همکار دانشگاه آکسفورد در زمینه طرح مطالعاتی مربوط به مهاجران در سالهای ۹۸-۱۹۹۷ می‌باشد. او یک محقق آزاد (غیر وابسته) است که به طور تخصصی در خصوص لبنان به پژوهش مشغول است.